



◀ کمی از بحث نظری فاصله بگیریم. با توجه به تخصص شما در حوزه سیاست خارجی به موضوع دیپلماسی ایران بپردازیم. تا الان تنها رویکردی که از سوی ترامپ کارزار فشار حداکثری طی یادداشت ریاست جمهوری بود، با وجود این رئیس جمهوری آمریکا همزمان از تمایل خود برای توافق با ایران صحبت می‌کند. برخی معتقدند حضور ترامپ در کاخ سفید می‌تواند برای ایران فرصت‌هایی خلق کند اما عده‌ای دیگر ترامپ را تماماً تهدید می‌بینند. در ایالات متحده هم تلاش بر این است که انگاره‌ای از یک ایران بشدت تضعیف شده در مقابل ترامپ بسازند. شما چه ارزیابی از تحولات میان تهران و واشنگتن در دوره پیش رو دارید؟

همان‌طور که عرض کردم براساس ذهنیت ترامپ، روابط بین‌الملل، بازی بزرگ میان قدرت‌های بزرگ است. بنابراین او ارزش و اهمیت راهبردی برای قدرت‌های درجه ۲ و ۳ قائل نیست. حتی می‌بینیم که برای اروپا هم ارزشی قائل نیست. در نتیجه یک بازی بزرگ بین آمریکا، چین و روسیه در جریان است. دو دیدگاه و فرضیه در مورد تأثیر دکترین ترامپ مبنی بر همکاری قدرت‌های بزرگ در نظم جهانی بر روابط ایران و آمریکا قابل طرح است.

براساس دیدگاه اول، اینکه ترامپ به این نتیجه رسیده که باید با چین و روسیه همکاری داشته باشد، می‌تواند برای ایران یک فرصت باشد. به این خاطر که ایران با این دو قدرت روابط حسنه و توافق راهبردی دارد. قاعدتاً چین و روسیه می‌توانند نقش پیام‌رسان، میانجی و واسطه بین ایران و آمریکا ایفا کنند. این دو کشور می‌توانند از یک طرف ترامپ را متقاعد کنند که در قبال ایران مواضع

چهارچوب دکترین ترامپ اگر امکان نظم چند قطبی هم باشد (که به نظم چند مرکزی شباهت دارد)، یک نظم «چند قطبی قدرت‌محور» به جای نظم چند قطبی قاعده محور و هنجار محور خواهد بود. در این نظم هم تأکید اصلی بر قدرت و به‌ویژه قدرت سخت خواهد بود. از این رو، قطب‌های قدرت آمریکا، روسیه و چین هستند. اتحادیه اروپا یکی از این قطب‌ها نیست. پس بی‌جهت نیست که ترامپ در مذاکرات اوکراین نه از این کشور دعوت کرد و نه از اتحادیه اروپا یا حتی سه کشور بزرگ اروپا. به غیر از نظم چند بلوکی، هر کدام از این دو نظم بین‌المللی (چند مرکزی و چند قطبی) شکل بگیرد با دکترین ترامپ همخوانی دارد. البته به نظر من «نظم چند مرکزی» بیشتر با راهبردی که دونالد ترامپ در سیاست خارجی پیش گرفته، مطابقت و مناسبت دارد. یا دست‌کم ترامپ این نوع از نظم جهانی را ترجیح می‌دهد.



براساس ذهنیت ترامپ، روابط بین‌الملل، بازی بزرگ میان قدرت‌های بزرگ است. بنابراین ارزش و اهمیت راهبردی برای قدرت‌های درجه ۲ و ۳ قائل نیست. حتی می‌بینیم که برای اروپا هم ارزشی قائل نیست. در نتیجه یک بازی بزرگ بین آمریکا، چین و روسیه در جریان است

بلوکی» است؛ یعنی مناطق مختلف دنیا به صورت بلوک‌های قدرت دربیایند. یک نمونه‌اش اتحادیه اروپاست. اینجا بیشتر نظم ارادی و داوطلبانه است؛ به‌طوری که، کشورهای یک منطقه با اراده و اختیار خود حول یک قدرت برتر منطقه‌ای بلوکی از قدرت را تشکیل می‌دهند. برای نمونه در اتحادیه اروپا، اگرچه آلمان قدرت اقتصادی برتر هست ولی برتری خود را تحمیل نکرده، بلکه دیگران اقناع شدند که اتحادیه‌ای حول قدرت برتر آلمان شکل بگیرد. یا در محیط «خارج نزدیک» و منطقه پیرامونی روسیه، بلوکی از قدرت حول آن تشکیل شود که قابل تسری به سایر کشورهای اوراسیا نیز باشد. به همین ترتیب، کشورهای پیرامونی چین نیز داوطلبانه بلوکی از قدرت حول این کشور تشکیل دهند.

یک نظم بین‌المللی ممکن و محتمل دیگر، «نظم چند مرکزی» است. این نظم خیلی شبیه به نظم چندبلوکی است. در این مدل هم بلوک‌های قدرت تشکیل می‌شود؛ اما با این تفاوت که این بلوک به‌صورت داوطلبانه شکل نمی‌گیرد. بلکه یک «قدرت برتر» و بزرگ دست به ایجاد «اقمار» می‌زند و حوزه نفوذ منطقه‌ای درست می‌کند. به نظرم نظمی که براساس دکترین ترامپ در ذهن اوست (فارغ از اینکه این نظم شکل بگیرد یا نه) یک نظم چندمرکزی خواهد بود. به‌طوری که آمریکا در نیمکره غربی یک حوزه نفوذ اقماری تشکیل دهد؛ روسیه در اوراسیا و چین هم در آسیا پاسیفیک این کار را انجام دهد. در این صورت است که قدرت‌های پیرامونی این مراکز یا با رضایت و خوشی سیادت مرکزیت قدرت را می‌پذیرند یا این اتفاق با ناخوشی رخ خواهد داد. نظیر اتفاقی که در اوکراین رخ داده و شاهد آن هستیم. نکته جالب و حائز اهمیت این است که ترامپ این اقدام روسیه را به نوعی تأیید می‌کند. از این رو، برخی پیش‌بینی می‌کنند که ترامپ ممکن است این گونه اقدام توسط چین نسبت به تایوان را نیز بپذیرد. خیلی‌ها پیش‌بینی می‌کنند احتمالاً این بلا سر تایوان هم خواهد آمد. من مجدداً تأکید می‌کنم اینکه این نظم شکل بگیرد یا نگیرد یک بحث است و اینکه یکی از پیامدهای دکترین ترامپ احتمال وقوع یک چنین نظمی خواهد بود واقعیت دیگر. بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل شکل‌گیری یک چنین نظم بین‌المللی در قالب کنسرت قدرت‌های بزرگ را پیش‌بینی کرده و در مورد آن هشدار می‌دهند. مهم‌ترین پیامد این نظم، فروپاشی نظم بین‌الملل لیبرال موجود به رهبری آمریکاست.

«نظم چند قطبی» نوع دیگری از نظم بین‌المللی محتمل است. نظمی که خیلی هم روی شکل‌گیری آن تأکید می‌شود. در